

دعوت کمال آتاترک از رضا شاه کبیر

سخنی کوتاه پیرامون پدر ملت ترک

● در جنگ بین‌المللی اول دولت امپراطوری عثمانی متحد آلمان بود و پس از شکست متحدین و پیروزی متفقین امپراطوری عثمانی سقوط کرد و دیری نمانده بود که ترکیه عثمانی بکلی منحل بشود ولی سرتن از افسران رشید ترک بنام مصطفی کمال پاشا، عسکرت پاشا و انور پاشا از ناحیه آناتولی قیام کردند و جوانان پر شور ترک را رهبری نمودند و با مقاومت و ایستادگی دلیرانه توانستند قسمتی از وطن خود را نجات و استقلال بدهند و شهر «آنقره» را که امروزه آنکارا نام دارد، پایتخت اعلام نمایند. سرانجام این پیروزی، پیدایش جمهوری ترکیه جوان به پیشوایی غازی مصطفی کمال پاشا بود که ملت ترک بیاس فداکاریش او را «آتاترک» یعنی پدر ملت ترک خوانند.

● ترکیه جوان خیلی زود به پیشرفتهای درخشانی نائل گردید و در سایه ارشاد آتاترک موقعیت بین‌المللی ممتازی در خاور میانه بدست آورد.

سیاست جهانی آتاترک از نخستین روز جمهوری بر اساس دوستی و برادری با ایران اعلام گردید و چون پیدایش رضاشاه کبیر در ایران همزمان با پیدایش آتاترک در ترکیه بود سیاست دوستی دولت ایران و ترکیه بر اساسی محکم استوار گشت تا آنجا که اعلیحضرت رضاشاه کبیر دعوت آتاترک را برای دیدار ترکیه پذیرفتند.

از راست به چپ: رضاشاه کبیر، رشیدی آراس وزیر امور خارجه ترکیه، آتاترک رئیس‌جمهور، عصمت اینونو رئیس دولت.





استقبال کمال آتاترک رئیس جمهور و هیئت دولت ترکیه از رضاشاه کبیر در ایستگاه راه آهن

سُخنان نخست وزیر پیرامون مُسافرت شاهنشاه

در جلسه بیست و سوم اردیبهشت سال ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی، نخست وزیر وقت « محمدعلی فروغی » پیرامون روابط ایران و ترکیه سخنانی ایراد و جریان دعوت آتاترک را از اعلیحضرت رضاشاه کبیر و قبول این دعوت باطلاع مجلس رسانید و چنین گفت :

« ... خاطر آقایان محترم بخوبی آگاه است که در ایام گذشته بین دولت و ملت ترکیه نظر بسوء تفاهاتی یا سوء نیت و اغراض اختلاف و مشاجراتی بود که سالها بلکه قرن ها طول کشید و البته از این راه بهر دو مملکت و ملت خسارات و لطامات فاحشی وارد آمد ، بالاخره بخت یاری کرد و خداوند تفضل فرمود که ایران نو و ترکیه جدید هر کدام دارای یک قائد مصلحت اندیش شدند که در تحت سرپرستی آنها مملکتین ایران و ترکیه را بشاهراه ترقی و تعالی که ملاحظه میفرمائید سوق داده اند و اکنون نظر بدوستی و صمیمیتی که در بین پیدا شده اشتیاق کامل بملاقات همدیگر پیدا کردند بالاخره چندی قبل حضرت غازی مصطفی کمال رئیس جمهور دولت ترکیه رسماً از اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی دعوت کردند و اعلیحضرت هم این دعوت را با کمال مسرت اجابت فرمودند بنابراین در ماه آینده یعنی در بیستم خرداد از راه آذربایجان بخاک ترکیه وارد خواهند شد و تقریباً دو هفته در آنجا خواهند بود یقین است که این ملاقات ها و این دید و بازدیدها موجب تشدید و تحکیم روابط حسنه و مزید نتایج مطلوبه است »

اعلیحضرت رضاشاه کبیر روز بیست و سوم خرداد سال ۱۳۱۳ از مرز بازرگان وارد خاک ترکیه شدند و از نخستین روز تا پایان دیدار طی مراسمی پر شکوه از شاهنشاه ایران تجلیل کردند و احتراماتی شایان توجه بعمل آوردند و چون اعلیحضرت رضاشاه کبیر با آتاترک و سران ترکیه بزبان ترکی گفتگو می کردند اثری عمیق بجای گذارد .

ای تاجدار پور فریدون خوش آمدی

بر یادگار تور فریدون خوش آمدی

بیانات آتاترک و پاسخ رضاشاه کبیر

آتاترک در میهمانی شامی که بافتخار رضاشاه کبیر داد در نطق خود چنین گفت: «... اعلیحضرتا. دوست بزرگ و برادر معظم من. با نهایت مسرت و شف تشریف فرمائی رئیس بزرگ ملت برادر را بترکیه تبریک میگویم. تمام ملت ترک از تشریف فرمائی اعلیحضرت همایونی خوشوقت میباشد. جمهوری ترکیه دوستی ایران را یکی از مواد اساسی خود قرار داده و چون در لوای توانای آن اعلیحضرت عین همین احساسات در مملکت برادر و همجوار مورد توجه قرار داده شده مودت ایران و ترکیه بطور دائم و خلل ناپذیر استوار گردیده است. اعلیحضرتا، ترقیات امروزه ایران را با احساسات مودت آمیز تلقی نموده و ترقیاتی را که در اثر اراده توانای آن اعلیحضرت بعمل آمده است تقدیر می نمایم. ترکیه و ایران امروز هر دو با قدمهای ثابت و توانا در راه ترقی و تعالی پیشرفت مینمایند و تشدید مناسبات مودت آمیز در کشور در اثر تشریف فرمائی آن اعلیحضرت برای تمدن و نوع بشر بطور قطع متضمن نتایج سعادت بخشی می باشد. ملت ترک این روزهای تاریخی را از خاطر محو نخواهد داشت و آن را از نقطه نظر صلح عمومی در صفحات تاریخ درج خواهد نمود...»

پاسخ رضاشاه کبیر: «... دوست بزرگ و برادر عزیزم. بیانات مودت آمیز آن برادر عزیز و پذیرائی گرم و احساسات صمیمانه که از طرف دولت و ملت ترکیه از بدو ورود من باین مملکت بعمل آمده تأثیرات بزرگی در من نموده است.

من از روز اول زمامداری خود لزوم دوستی با ترکیه را احساس کردم و خوشبختانه امروز مشاهده می کنم که صمیمانه ترین روابط بین ترکیه و ایران موجود است و اساس امر طوری استوار شده که این دوستی در آتی از هر تزلزل مصون خواهد بود و دو ملت همسایه و برادر می توانند با کمال اعتماد و اطمینان یکدیگر متکی بوده و وظیفه مقدس خود را که ادامه ترقیات و توسعه تمدن و خدمت بصلح عمومی عالم است ایفا نمایند و چون اشتیاق کامل دارم که مسرت دیدار آن برادر عزیز تجدید شود امیدوارم در موقع امکان ایران را از تشریف فرمائی خود مسرور فرمایند...»

در پایان ما نور نظامی چناک قلعه





از چپ بر راست: آجودان میزبان شاهنشاه از ترکیه، رضاشاه کبیر، آتاترک، سیهید جهانبانی آجودان شاهنشاه

استقبال پرشکوه ملت ترک از رضاشاه کبیر

روز ۲۹ خرداد ۱۳۱۳ اعلیحضرت رضاشاه کبیر به مجلس کبیر ملی ترکیه رفتند و عصمت پاشا «عصمت اینونو» رئیس دولت ترکیه نطق جامعی ایراد و مقدم شاهنشاه ایران را تبریک گفت و دوستی دو ملت را ستود و سپس بین رؤسای دو دولت دو مجلس ایران و ترکیه تلگرافهای دوستی مبادله و اظهار قدردانی شد.

● در شهرهای ترکیه زنان و مردان ترک احساساتی بی نظیر نسبت به رضاشاه کبیر از خود نشان دادند و مطبوعات ترکیه نیز منعکس کننده احساسات ملت و دولت خود بودند و برای نشان دادن گوشه‌ای از آن همه استقبال کافی است که یاد کنیم با وجود آنکه در عصر آتاترک خط لاتین خط رسمی انتخاب شد ولی شعارها و بعض مطالب را برای احترام بشاه ایران بفارسی نوشتند و این شعاریش از شعارهای دیگر مورد توجه قرار گرفت و آن یک بیت شعری بود که روزنامه‌ی «اولوس» چاپ آنکارا در سرلوحه خود با خط درشت نوشت و در این شعر اشاره بآن قسمت از تاریخ دیرین نمود که فریدون سه پسر داشت بنام دایرج و سلم و تور، که ایران را به ایرج داد. توران را به تور و شامات را به سلم. ای تاجدار پور فریدون خوش آمدی
بر یادگار تور فریدون خوش آمدی

و این اشاره بآن است که ما دو برادر واقعی هستیم.



رضاشاه کبير، آتاترك، عصمت اينونو در مانور چناك كاله



آتاترك شخصاً فرمان نظامی داد و ادای احترام کرد

هنوز در ترکیه گفته میشود که آتاترك در عمر ریاست جمهوری خود از هیچ پادشاه و رئیس مملکتی با آن تجلیل و تشریفاتی که از رضاشاه کبیر بعمل آورد استقبال ننمود . همین کافی است که وقتی رضاشاه از نیروهای ارتش سان دید ، آتاترك با احترام رضاشاه کبیر بعنوان فرمانده در مقابل صف ایستاد و فرمان نظامی داد و در مقابل رضاشاه ادای احترام نظامی نمود که باعث اعجاب و تحسین همگان شد .

● در حالیکه قبول دعوت رئیس جمهور ترکیه برای دو هفته بود آتاترك از رضاشاه کبیر خواست که بیشتر در ترکیه اقامت نمایند و این مسافرت بیست و پنج روز بطول انجامید و سراسر ترکیه مورد بازدید قرار گرفت و در همه جا آتاترك به همراه رضاشاه کبیر بود .



بزرگترین گام در راه دانش و فرهنگ

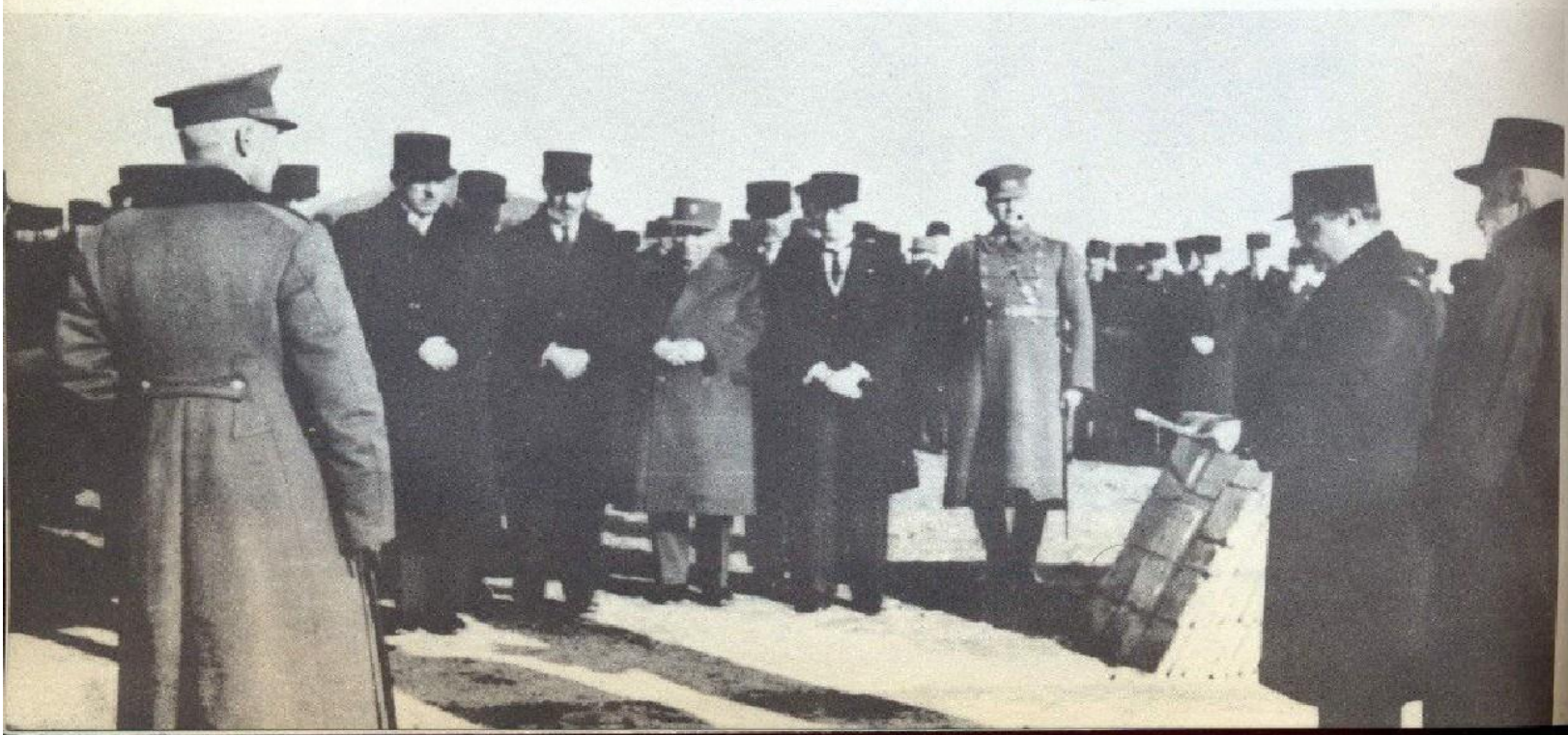
● آنچه از دانشگاه‌ها و دارالعلم‌های ایران باستان هنوز مورد بحث‌موردخان و مطالعه‌ی خاورشناسان است میتوان از دانشگاه گندی‌شاپور پیش از اسلام و از مدرسه‌ی نظامیه‌ی بغداد و دارالعلم ماوراءالنهر پس از اسلام یاد کرد.

● آثار فرهنگ و هنر ایران از هفت هزار سال پیش بهترین گواه و معرف آن است که نشان می‌دهد، فرهنگ و دانش ایران همیشه بملل دیگر پرتو افکنده و فروغ معرفت بجا نشان نیروی مینوی بخشیده است، ولی هر وقت ایران رو با انحطاط رفته و تسلط بیگانگان بمنت‌های شدت رسیده ایرانی فرهنگ خود را پنهان داشته و با انتظار فرصت در زوایا نشسته است، چنانکه تاریخ و وقایع سه سده‌ی اخیر بویژه فرهنگ عصر پهلوی پس از آن سال‌های سپری شده بهتر میتواند مبین این حقیقت باشد،





کفیل وزارت معارف با عرض خیر مقدم گزاشی پیرامون دانشگاه و آینده آن عرض میسازند و استدعا می کنند که نخستین سنگ بنای آنرا بادیست خود نصب فرمایند. هیئت دولت ، نمایندگان مجلس و رجال نیز حضور دارند.





.. بهنگام شامشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سرود و دمان
پهلوی ساختان دانشگاه تهران بفرمان او آغاز و این بنش که پیاوکار
در دل سنگ جای گرفته بر زمین پیرو شده شد
در سن ۱۳۱۲ خورشیدی



اعلیحضرت رضا شاه کبیر پس از استماع گزارش کفیل وزارت معارف از پله‌های پایه بنای دانشگاه پائین رفتند و لوحه سیمین یادگار بنای دانشگاه را
گرفتند و در صندوقی از سنگ نهاده بر زمین سپردند



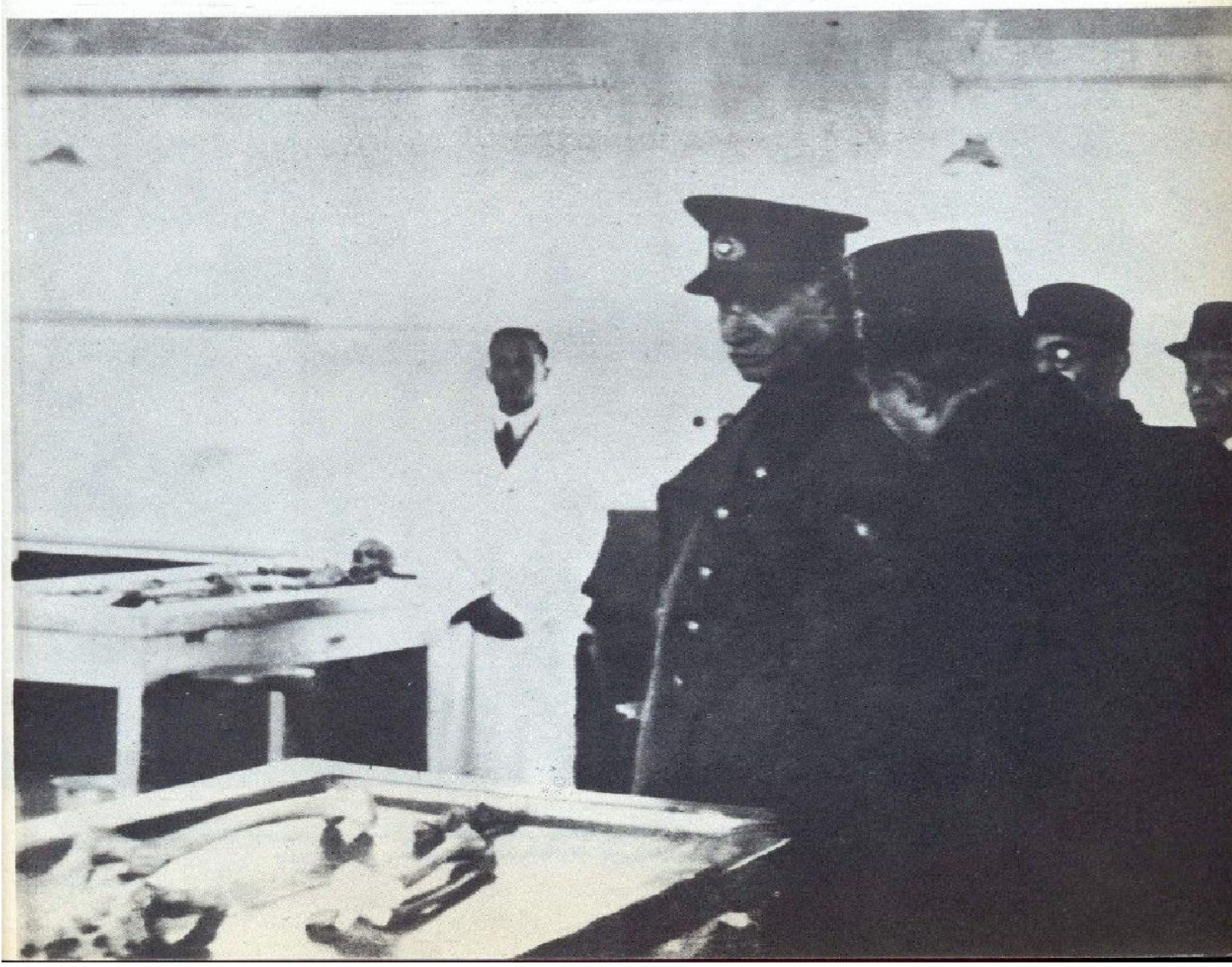
این عبارات بر آن لوحه حک شده است : « هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سردودمان پهلوی ساختمان دانشگاه تهران فرمان او آغاز و این نبشته که پسادگار دندل سنگ جای گرفته بزمین سپرده شد . بهمن ماه سال ۱۳۱۳ خورشیدی . »

ما بدالشگاه نیاز بسیار داریم

عصر پهلوی پس از آن سالهای سپری شده بهتر میتواند مبین تحول فرهنگی باشد، زیرا اعلیحضرت رضاشاه پهلوی از نخستین روز فرمانروائی و سپس در تمام ایام سلطنت برای تجدید حیات ملی و رشد فرهنگی و ایجاد دبستان و دبیرستان و دانشکده و دانشگاه همه‌ی کوشش خود را بکاربرد و وقتی در پانزدهم بهمن سال ۱۳۱۳ نخستین سنگ بنای دانشگاه ایران را بادت خود بنیاد نهاد گفت:

«... مملکتی که دارای معارفی باستانی بوده باید امروز دارای دانشگاهی باشد که درخورشان آن است و ایجاد دانشگاه بصورت امروزی کاری است که باید دولتهای پیش از ما خیلی قبل از این ها شروع کرده باشند و ما حالا آنرا تکمیل کنیم نه اینکه تازه از پایه بنای آنرا درست کنیم.

بهر حال کاری است که از امروز شروع شده است و خیلی هم دیر است و باید با جدیت هر چه زودتر درست بشود و انجام بگیرد. ما بدانشگاه خیلی احتیاج داریم اگر دانشگاه و مدارس عالیه خوب داشتیم چه احتیاج داشتیم که فرزندان خود را باروفا بفرستیم، کوشش کنید تا این دانشگاه زودتر تکمیل بشود...»





هنگامی که بازدید از تالار تشریح دانشگاه پزشکی پایان یافت اعلیحضرت رضاشاه کبیر به نخستوزیر دستور دادند که برای تکمیل آن و خرید لوازم بیشتر از اروپا هرچه زودتر اقدام کند و در بودجه دولت منظور گردد

باید محیط مدرسه نشاط داد

هنگامی که اعلیحضرت رضاشاه کبیر سنگ بنای دانشگاه را بزمین سپردند و مراسم بنیاد این سازمان را پی نهادند برای بازدید دانشکده پزشکی و تالار تشریح که در زمینهای اختصاصی دانشگاه و در ضلع شمالی خیابان پهلوی ساخته شده بود تشریف بردند . با دیدن ساختمانهای نامرتب و رنگ های نا زیبا سخت برآشفته شدند و گفتند :

« این چه رنگی است؟ این چه ساختمانی است که برای دانشگاه انتخاب کرده اید؟ باید در دانشگاه و مدرسه رنگهای زنده و ساختمان های جالب بوجود آورد که به محصل نشاط بدهد و محیط مدرسه و دانشگاه طوری باشد که شاگرد با رغبت درس بخواند متوجه باشید در ساختمانهای تازه دقت کنید که این عیوب دیده نشود باید ساختمان ها طوری باشد که پنجاه سال دیگر هم تازگی داشته باشد و احتیاجات را مرتفع کند ... »



یادی از دانشکده های دانشگاه تهران

پیش از تأسیس دانشگاه تهران مدارس عالی‌های مانند، مدرسه عالی حقوق و مدرسه طب و دارالمعلمین- عالی وجود داشت ولی ساختمان و لوازم مورد نیاز را نداشت که پس از ایجاد دانشگاه پی در پی رو بشکامل رفت و هر روز تأسیسات نوینی بآن افزوده گشت.

تالار تشریح دانشکده پزشکی، دانشکده داروسازی و دندان پزشکی، دانشکده فنی علوم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشسرای عالی بجای دارالمعلمین و نیز دانشسرای مقدماتی، دانشکده معقول و منقول که امروز دانشکده الهیات نام دارد همه در عصر رضاشاه کبیر تکمیل یا تأسیس شد.

روز سوم مهرماه همین سال دانشکده فنی در عمارت مدرسه دارالفنون افتتاح شد. ابتدا وزیر فرهنگ و سپس نخست‌وزیر و در آخر وزیر راه نطق‌هایی ایراد کردند و وزیر راه افزود که «مملکت احتیاج به متخصصین فنی و مهندس زیاد دارد تا ما را از وجود مهندسین خارجی بی‌نیاز کند». البته وزارت طرق در سالهای اخیر یکمدهشت محصل باروپا فرستاده که هفتاد نفر آنها بازگشته و مشغول کار شده‌اند ولی هرگز این عده تکافوی احتیاج ما را نمیکند و راه آهن و ساختمانهای دیگر مملکتی مهندس زیاد میخواهد...»

تالار تشریح دانشکده پزشکی تهران

مدرسه طب تهران پیش از تأسیس دانشگاه تهران در بنای مدرسه دارالفنون قسمتی را در اختیار داشت که محصلین فقط بطور نظری علم طب را فرا می گرفتند و فاقد همه‌ی وسایل تجربی و فنی و عملی و آزمایشگاهی بودند ولی همزمان با تأسیس دانشگاه تهران و نهادن سنگ بنای آن، تالار تشریح دانشکده پزشکی در محوطه وسیعی که امروز دانشگاه تهران است ساخته شد و وسایل آن از اروپا خریداری و آماده گشت و روز پانزدهم بهمن سال ۱۳۱۳ اعلیحضرت رضا شاه کبیر از دانشکده پزشکی و تالار تشریح آن بازدید بعمل آوردند و برای پیشرفت علم پزشکی به نخست‌وزیر و وزیر معارف دستوراتی دادند. مشعل فرهنگ ایران در این عصر بدست توانای رضاشاه کبیر فروزان گشت و از این رونشان فرهنگ و دانشگاه ایران مشعلی فروزان انتخاب گردید.





تخیل گنگره مستشرقین ایران شناسان در تهران

● هر وقت امنیت نصیب ملت ایران گردیده ادبیات و هنر رونق گرفته و سطح معرفت عمومی بالا

رفته است .

در عصر رضا شاه کبیر علاوه بر گسترش سطح فرهنگ در سراسر کشور ، دانش و معارف ایران مقام جهانی خود را دوباره یافت و روابط فرهنگی ایران با ملل فرهنگ دوست جهان بنحوی شایسته پی ریزی شد . از گوشه و کنار جهان نویسندگان و شاعران بدربار شاهنشاه ایران دعوت شدند که از آن جمله میتوان از «رایندگان تا گور» شاعر هندی نام برد و سپس گنگره مستشرقین را در تهران یاد کرد که باید آنرا نخستین گنگره فرهنگی ایران در عصر جدید محسوب داشت .

بازدید از مسجد گوهرشاد پس از تعمیر و مرمت . نایب التولیه آستان قدس توضیح میدهند .



تأسیس انجمن آثار ملی

● از آغاز سال ۱۳۱۲ فکر تعمیر و ترمیم آثار تاریخی بیشتر نیرو گرفت و در سراسر ایران اداره باستان‌شناسی تلاش و کوشش ارزنده کرد و برای توجه بیشتر بآثار ملی ایران انجمن آثار ملی تأسیس گردید و این انجمن نخستین گام را در راه ایجاد و بنیاد آرامگاه فردوسی شاعر بلند پایه حماسی ایران برداشت و سپس آرامگاه حافظ را تغییر شکل داد و برای آرامگاه سعدی در شیراز و خیام در نیشابور و دیگر شاعران طرح‌های تازه تهیه دید .

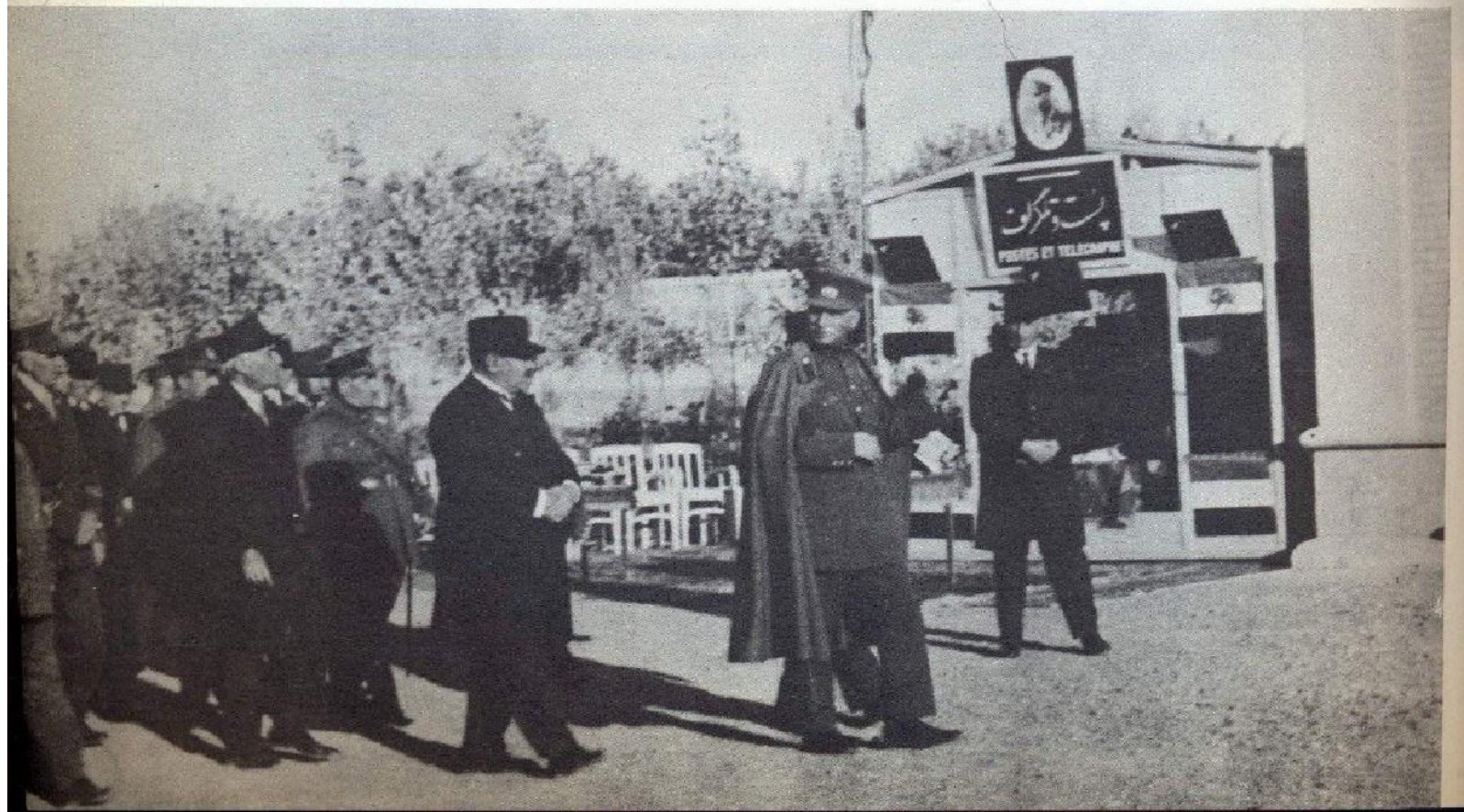
آرامگاه فردوسی در سرزمین طوس خراسان و محلی که بر اثر کنجکاوای محققان مزار فردوسی شناخته شد در زمینی بمساحت چهل متر مربع از سنگهای مرمر گران بهای معدن معروف خلیج بطول ۱۸ متر ساخته شد .

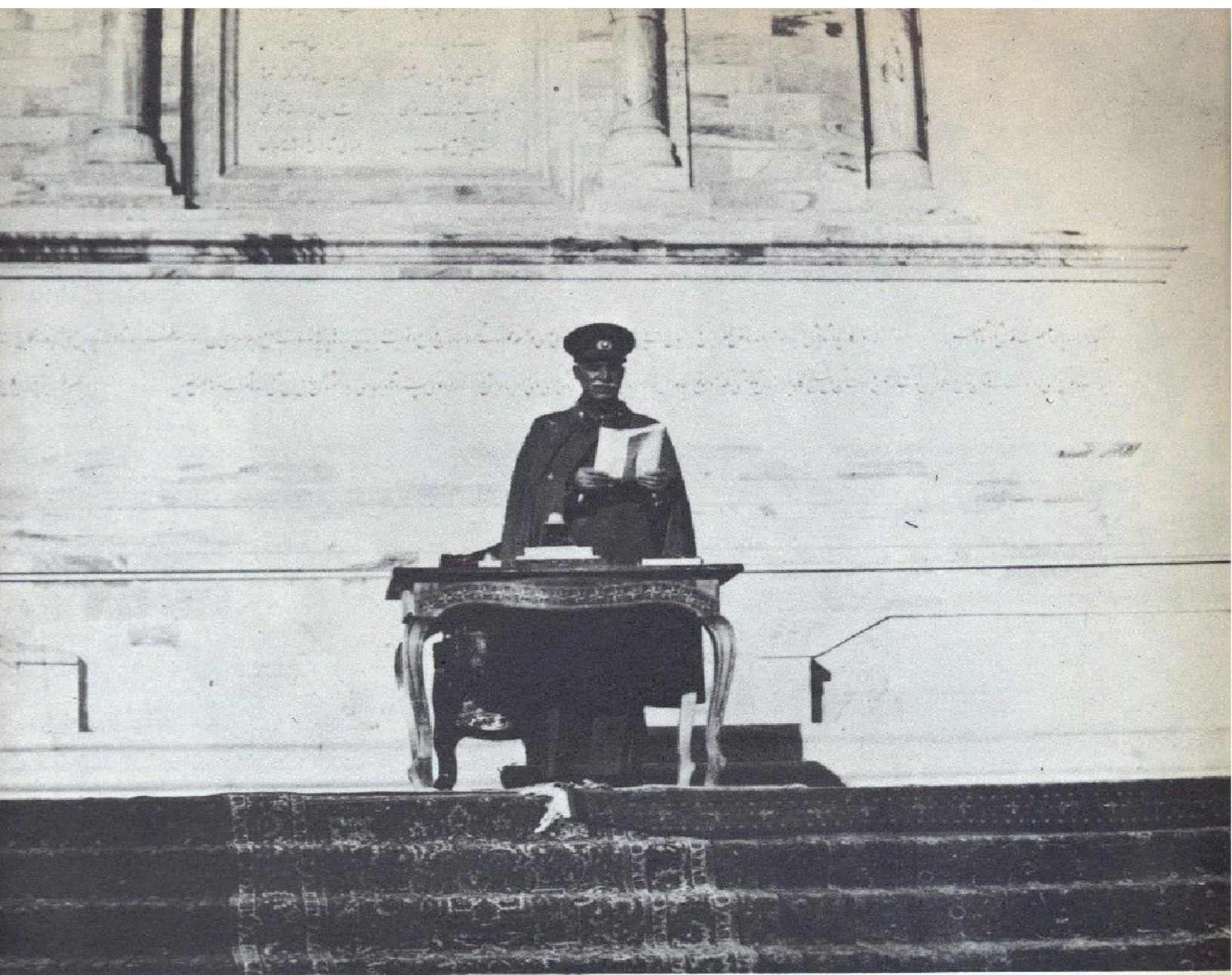
اعلیحضرت رضاشاه کبیر در مقابل صف هیئت دولت و نمایندگان مجلس ، محوطه آرامگاه فردوسی





گیشه مخصوص پست و تلگراف آرامگاه فردوسی با فروش نمبر مخصوص جشن هزاره فردوسی آغاز بکار کرد .





بزرگداشت هزارمین سال سروودن شاهنامه

● برای بزرگداشت هزارمین سال سروودن شاهنامه فردوسی و قدردانی رضاشاه کبیر از شاعری که سلطان محمود غزنوی قدر او را نداشت از خاورشناسان و نویسندگان و مورخان و شاعران سراسر جهان دعوت شد که برای شرکت در جشن هزاره فردوسی به تهران بیایند و پس از تشکیل کنگره فردوسی بخراسان عزیمت نموده و هنگام گشایش آرامگاه فردوسی از طرف اعلیحضرت رضاشاه کبیر حضور داشته باشند. نخستین جلسه کنگره بتاريخ دوازدهم مهر سال ۱۳۱۳ در سالن مدرسه دارالفنون تهران با حضور نویسندگان سراسر جهان و جمعی از شاعران و نویسندگان ایران برپاست نخست وزیر وقت تشکیل شد و تا بیستم مهر ادامه داشت.

● روز بیستم مهرماه خاورشناسان و نویسندگان و شاعران و صاحبان مطبوعات داخلی و خارجی بخراسان رفتند و بعد از ظهر بیست و یکم مهر در طوس اجتماع نمودند. اعلیحضرت رضاشاه کبیر ساعت هفده بآرامگاه تشریف فرما شدند و فروغی نخست وزیر یکایک خاورشناسان را معرفی نمود. و اعلیحضرت نسبت به همه آنها اظهار تفقد و مهر کردند و قدردانی فرمودند سپس از پله های آرامگاه بالا رفته و پشت میز خطابه قرار گرفتند و بیاناتی باین شرح ایراد

فرمودند :

جشن هزاره فردوسی در ایران

● بسیار مسروریم از اینکه با پیش آمد جشن هزاره فردوسی موفق میشویم که وسائل انجام یکی از آرزوهای دیرین ملی ایران را فراهم آوریم و با ایجاد این بنا درجه قدردانی خود و حق شناسی ملت ایران را ابراز نمائیم. رنجی را که فردوسی طوسی در احیای زبان و تاریخ این مملکت برده است. اگر ایران همواره منظور داشته و از اینکه حق آن مرد بدرستی ادا نشده بود متأسف و ملول بوده است. اگر چه ایرانیان باعلاقه ای که به مصنف شاهنامه دارند قلوب خود را آرامگاه او ساخته اند و لکن لازم بود اقداماتی بعمل آید و بنائی آراسته گردد که بصورت ظاهر هم نماینده حق شناسی عموم این ملت باشد، بهمین نظر بود که امروز در احداث این کار تاریخی بذل مساعی بعمل آید. صاحب شاهنامه با افراشتن کاخی بلند که از باد و باران حوادث گزند نمی یابد نام خود را جاویدان ساخته و از این مراسم و قدردانی بی نیاز می باشد و لکن قدردانی از خدمتگذاران و وظیفه اخلاقی ملت است و از ادای حق نباید فروگذار نمود مسرت و خورسندی خاطر ما بدرجه کمال رسید از اینکه، مشاهده کردیم جماعتی از دانشمندان که دوستان ما و دوستان منابع و ادبیات ما هستند از اکتشاف جهان و راه های دور به آرامگاه حکیم سخن پرداز ما شتافته و در اظهار شادمانی و قدردانی با ما همقدم شده اند با ابراز خشنودی و خرسندی از این احساسات محبت آمیز حضار را با اجرای مراسم افتتاح دعوت مینمائیم.

برابر پله های آرامگاه فردوسی





پس از امضای دفتر یادبود جشن هزاره فردوسی

یادی از خاورشناسان ایران دوست

● اعلیحضرت رضاشاه کبیر پس از ایراد نطق افتتاحیه نوار سحرنگ مدخل آرامگاه را که آثار صنعتی خاصی در آن قرار داشت باقیچی زرین بریدند و در داخل آرامگاه دفتر یادبود را توشیح کردند و پس از شاهنشاه همه مدعوین داخلی و خارجی هریک شرحی بیادگار نوشتند و گنگره پایان یافت . گیشه پست آرامگاه فردوسی که مخصوص جشن هزاره تأسیس شده بود همین ساعت آغاز بفروش تمبرهای یادبود فردوسی نمود .

● اعلیحضرت رضاشاه کبیر بهنگام عزیمت بخراسان برای افتتاح آرامگاه فردوسی همانند سالهای پیشین از همه تأسیسات عام المنفعه و بهداشتی نیز بازدید بعمل آوردند . چنانکه از مسجد گوهرشاد که امر به تعمیر آن داده بودند دیدن کردند و بیمارستان شاه رضا را مورد بازدید قرار دادند . از جمله مستشرقین و ایران شناسان معروف که عضویت هیئت رئیسه را یافتند میتوان از پرفسور کریستن سن دانمارکی ، پرفسور سار آلمانی ، هانری ماسه فرانسوی ، سردینس راس انگلیسی و عبدالوهاب عزام نام برد . در نخستین جلسه از سوی رؤسا و وزرای خارجه دول دوست تلگرافهای تبریک رسید و بعضی از کشورها نیز مراسمی فرهنگی بهمین مناسبت برپا داشتند .



بهداشت

قدمت بهداشت ایران

● بهداشت و بهداری و مشتقات واژهی «بهی» همه از آثار لغوی و فرهنگی «بهداشتن» از ایران باستان است.

مورخان باختر و خاور یاد کرده اند که ایرانیان نخستین ملتی هستند که بیمارستان ساختند. تا آنجا که بزرگترین بیمارستان را به عصر ساسانیان در دانشگاه «گندی شاپور» برای آزمایش دانشجویان و فراگرفتن فن پزشکی بطور عملی دائر کردند.

در دوره ی اسلامی هم عضالدوله دیلمی به پیروی از پیشینیان خود در «بفداد» و «ری شهر» و دیگر شهرهای بزرگ ایران بیمارستان ساخت.

ابن سینا و زکریای رازی سرآمد پزشکان ایرانند که امروز مقام جهانی در علم طب دارند. ولی با همه ی این سوابق درخشان، ایران در قرون اخیر آنقدر از بهداشت بدور بود که در تاریکی مدحش بسر میبرد و سالی نبود که امراض کشنده «وبا» و «طاعون» و حمیه و بلایای دیگری چون مالاریا افراد وطن ما را بدست مرگ نسپارد.

بیمارستان شاهرضا در مشهد یکی از آثار ارزنده بهداشتی عصر رضاشاه کبیر است که با استیل ایرانی ساخته شده.



صحه کل مملکتی

شیوع وبای سال ۱۲۹۶ خورشیدی و مرگ هزاران نفر ایرانی هنوز ثبت سینه‌ی پیرمردان و پیرزنان آن عصر و زمان است .

اما با کودتای سال ۱۲۹۹ رضا شاه کبیر و تحول اساسی در همه‌ی ارکان اجتماعی ایران، بهداشت رکن مهم تحول ایران شد و برای اداره صحه کل مملکتی «دکتر ژنرال کولونیه» فرانسوی به استخدام درآمد و از سال ۱۳۰۱ مرزهای ایران بروی امراض وپا و طاعون که هر ساله بسوقات میآمدند بسته شد . ● در عصر رضاشاه کبیر علاوه بر تاسیس (اداره صحه و معاونت عمومی) در شهرداری و محلات شهر مؤسسات تعاون عمومی برای بهداشت و پیشگیری امراض ساری دائر شد تا سرانجام بیمارستانهای بزرگ بوجود آمد و محصلینی که به فرنگ فرستاده شده بودند بازگشتند و شغل طبابت را بعهده گرفتند زیرا طبابت تا آن روز آزاد بود و هر کس برای خودش طبابت میکرد، اما از عصر او طبابت فقط با اجازه وزارت فرهنگ جایز گردید .

● علاوه بر بیمارستانهای ارتش و مؤسسات پزشکی دیگر بیمارستانهای مجهزی بوجود آمد.



بازدید از بیمارستان شماره ۲ ارتش

بیمارستان شماره ۲ - ارتش در جاده پهلوی تهران هنوز مورد توجه همگان است، این بیمارستان در سال ۱۳۱۲ ساخته و افتتاح شد. هنگامی که اعلیحضرت رضا شاه کبیر این بیمارستان را افتتاح فرمودند در محوطه بیمارستان خطاب به هیئت دولت گفتند :

«... به بینید این مریضخانه ایست که قشون برای دفع احتیاجات افراد نظام تهیه کرده است . شما بگوئید برای صحت و سلامتی مردم چه کرده اید؟ کدام مریضخانه را ساخته اید چه قدمی برای تأمین صحت برداشته اید . بجای آنکه بخواهید مریضخانه هزار تختخواهی بسازید مریضخانه سیصد تختخواهی بسازید ولی زود تحویل بدهید تا مورد استفاده مردم مریض قرار بگیرد . من میدانم وضعیت صحت عمومی خوب نیست ، من احصائیهای تأسیسات و وضع بد مریضها و تلفات آنها دارم .

ملکیت قبل از هر چیز آدم سالم میخواهد این وظیفه صحت است ، اگر صحت بخواهد اینطور کار کند یک قلم روی بودجه صحت میکشیم و دستور میدهم صحت لشکرها را بروی مردم باز کنند . باید به تعلل خاتمه داد و هر سال برای سلامتی مردم تأسیسات تازه آماده کرد...»

این سخنان یک گوشه از توجه خاص اعلیحضرت رضا شاه کبیر را بامر بهداشت نشان میدهد و از همان سال پیوسته بر تعداد بیمارستانها و درمانگاهها افزوده گشت و تأسیسات نوین بهداشتی بوجود آمد که هنوز آثار آن مانند سرم سازی رازی و انستیتو پاستور پای برجاست و دامنه ی کارشان گسترش یافته است .

بیمارستان شاه رضا در مشهد

سازمانهای بهداشتی عصر هیلوی

* مرض خطرناک آبله هر سال بسیار کشته داشت و از همان سالهای نخستین سلطنت اعلیحضرت رضا شاه کبیر آبله کو بی عمومی اجباری شد درحالی که قبلاً مایه آبله انسانی را به انسان تزریق می نمودند ولی با پیشرفت علم طب و ساختن واکسن ها و آوردن آن از اروپا آبله گاوی مرسوم گشت و از هنگامی هم که بنگاه پاستور در تهران تأسیس گردید واکسن آبله نیز در ایران ساخته شد.

* مؤسسه «پاستور» یکی از تأسیسات بزرگ بهداشتی رضا شاه کبیر است که بمواذات سرم سازی رازی در حصارک بوجود آمد و این اقدامی بسیار شایسته بود که ایران هم مانند کشورهای متمدن جهان سرم سازی و سازمان بهداشتی توانائی مانند دانستیتو پاستور داشته باشد و بکشورهای دیگر هم کمک کند.

بهداشت زنان و کودکان

* برای بهداشت زنان و کودکان، شیرخوارگاه و زایشگاه ساخته شد و آموزشگاههای پرستاری و زایشی تأسیس گردید، و کسب اجازه سلامتی پیش از ازدواج اجباری شد و معاینه کودکان در مدارس از لحاظ امراض ماریه مانند تراخم بی نهایت مورد توجه قرار گرفت.

* از تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ پیش از این یاد کردیم که در ایندوره رویتکامل رفت، برای کارگران بهداشتی خاص تشکیل شد و هر مؤسسه ای موظف به تأسیس بهداشتی خصوصی گردید.

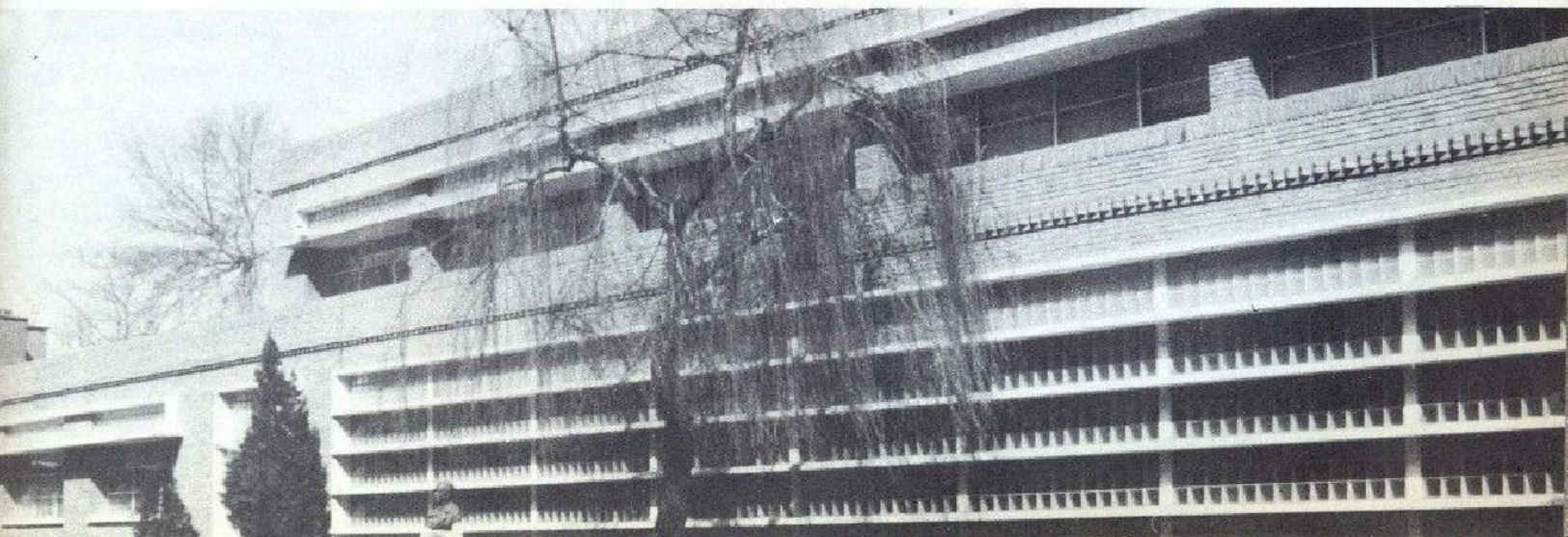
* برای سلامتی عمومی باغهای ملی ساخته شد و نیز نظافت شهرها مورد توجه قرار گرفت، در تمام شهرستانها بهمین نسبت تأسیسات بهداشتی بوجود آمد و در مدارس دانش آموزان بیشتر آشنا به نظافت و پاکیزگی و رعایت بهداشت شدند.

داروسازی و سرم سازی

* علاوه بر سرم سازی که بدان اشاره شد داروسازی نیز پیشرفت کرد و هر داروئی که در مملکت کم یاب بود و یا ساختن آن میسر نمیشد با تشویق و ترویج دولت از طریق مؤسسات مربوطه داروهای مورد لزوم در دسترس عموم قرار گرفت.

آزمایشگاههای نو تأسیس یافت و برای شهرداریها اداره بهداشتی عمومی دایر شد.

انستیتو پاستور از آثار بهداشتی عصر اعلیحضرت رضا شاه کبیر است



پزشکی و داروسازی

پیش از عصر پهلوی مملکت از جهت پزشک و دارو در مضیقه بود و اطبای حاذق معدود بودند ، گروهی نیز به طبابت اشتغال داشتند که بدون تحصیل علم طب خود را طبیب معرفی کرده و یا عنوان طبابت را از پدرشان وارث برده بودند ولی از هنگامی که در همه ارکان مملکت نظم نو بوجود آمد طبابت از صورت سابق خارج شد و اعلام گردید که هیچ کس بدون اجازه وزارت فرهنگ حق طبابت ندارد و کم کم اطبای تحصیل کرده هم از اروپا و آمریکا آمدند و بکار پزشکی رونق دادند ولی از هنگامی در وضع بهداشت و پزشکی ایران تحول ایجاد شد که مدرسه طب سابق با سازمان نوین دانشکده پزشکی و تقاریر تشریح و استخدام استادان مجرب تجدید حیات کرد و هر سال پزشکان جوان تحصیل کرده تحویل جامعه نوین ایران داد. داروسازی و دارو فروشی نیز به همین ترتیب نظم گرفت و برای آن براساس قانون مقررات خاص وضع شد .

اعلیحضرت رضا شاه کبیر در بازدید هائیکه از هر گوشه کشور بعمل میآوردند بامر بهداشت توجه بیشتر داشتند و پیوسته بیمارستانها را مورد بازدید قرار میدادند چنانکه وقتی برای جشن هزاره فردوسی بخراسان عزیمت کردند بیمارستان شاه رضای مشهد را که از یادگارهای عصر آن پادشاه بزرگ است مورد بازدید دقیق قرار دادند .

از آنجا که اعلیحضرت رضاشاه کبیر پیوسته توجه خاص داشت که سازمانهای فنی و بهداشتی را از متخصص بیگانه نیی نیاز سازد و ایرانی سازمانهای ایرانی بدست ایرانی اداره شود پس از خاتمه کار دکتر ژنرال کولونیه فرانسوی اداره امور صحیه به دکتر علیم السلطنه بزرگمهر سپرده شد .

دانشکده پزشکی دانشگاه تهران



کارخانه های بزرگ و گسترش صنعت

صنعت ایران باستان

با کوششهایی که باستان شناسان بعمل آورده و تحقیقاتی که مورخان کرده اند بر اساس آثار مکشوفه مانند چکش و پیل واره و میخ و چرخهای ریسندگی و ابزار جنگی همه ثابت می کنند ایران باستان یکی از کشورهای صنعتی عصر خود بوده و با استفاده از فلزات اختراعات صنعتی را بمرور رو ب تکامل برده تا آنجا که کشتی و ارابه ساخته و صنعت زمان خود را وسعت داده است .

در اینجا نباید از یاد برد که در روزگار ما بواسطه گسترش وسیع دامنه صنایع هر يك دارای رشته های گوناگون شده ولی در عهد قدیم صنعت بمعنای اعم عبارت از ساختن همان وسائلی بوده که امروز پاره ای از آنها در نظر باستان شناسان هنر پیشینیان محسوب میشود .

در حضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر وزیر راه علی منصور . شکوه رئیس دفتر مخصوص . مصطفی قلی بیات رئیس کل صنعت فروغی نخست وزیر ، محمود جم وزیر کشور ، سمیع رئیس دربار ، داهگر رئیس مجلس شورای ملی





اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام بازدید از کارخانه برق تهران ، مصطفی قلی بیات رئیس کل صنعت توضیح میدهد

سازمانهای جدید صنعتی . کشاورزی . بازرگانی

اقدامات موثری که پیش از سلطنت و دوره فرمانروایی اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای پیشرفت اقتصاد و صنعت مملکت صورت گرفت در دوره سلطنت بسورتی پی گیر دنبال شد که آغاز آن با احداث راه آهن بود و انجام این مهم به عهده وزارت فواید عامه محول گردید و از سال ۱۳۱۰ این وزارتخانه به سه اداره کل و یک وزارتخانه بدین شرح منقسم شد . اداره کل فلاحه ، اداره کل صنعت ، اداره کل تجارت و وزارت طرق و شوارع ، سازمان راه آهن دولتی ایران جزء وزارت طرق شد که هنوز هم این سازمان رکن بزرگی از وزارت راه است .

نتایج و ثمرات تجدید نظر در کشاورزی و بازرگانی و پیشرفت صنعت و احداث راههای تازه که از آغاز سلطنت صورت گرفته بود از نیمه دوم سلطنت و ابتدای سال ۱۳۱۰ پی در پی ظاهر شد



پیش از تغییر «کلاه پهلوی» به «شاپو» کارشناسان و مهندسان اروپایی که با استخدام دولت ایران میآمدند در ایران کلاه پهلوی بر سر میگذارند. چنانکه پیش از این یاد شد افسران فرانسوی که برای دانشکده افسری استخدام شدند به جامه افسران ایرانی ملبس گردیدند
در اینجا رئیس کل صنعت دولت از مهندسان اروپایی مستخدم ایران را با علیحضرت معرفی میکند تا از خدماتشان قدردانی بفرمایند

صنایع قدیم و جدید

پیدایش صنایع جدید

* از نیمه‌ی دوم قرن هیجدهم قدرت صنعت گسترش یافت و تا نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به همه‌جا پیشروی کرد و پس در پی ماشین جای نیروی جسمی انسانی را گرفت و پنجه‌ی آدمی فقط در گردش چرخ‌ها و نظارت در نظم آن بکار رفت بطوریکه روزگاری انسان‌ها پوشاک وزیرانند از و روپوش خود را با دست بوسیله دوک‌میرسیدند و با پنجه میبافتند ولی با پیدایش صنعت همه‌ی کارها را بمهده ماشین محول ساختند و هر روز بتکمیل آن پرداختند تا امروز که منزلت الکترونیک جای انسان را هم گرفته است ،

صنعت در سالهای سیاه

* همزمان با سالهای سیاهی که ایران در عصر بی‌خبری بسر می‌برد شعاع صنعت از دایره‌ی اروپا گام بیرون نهاد و بمقارنه‌های دیگر هم گسترش یافت و از همان هنگام بعضی دولت‌های اروپا صاحبان صنایع رایاری‌ها کردند و خود نیز سازمان‌های صنعتی را با بودجه‌های فراوان بوجود آوردند.

صنایع قدیم

پیش از پیدایش بنیانگذار سلسله پهلوی کارخانه‌های قند ریزی ، کبریت سازی ، ریسمان بافی ، شیشه گری ، صابون پزی دستگاه‌هایی داشتند و کار میکردند ، اما بهمان نسبت که محیط ایران تاریک بود کارگاه‌های آنها هم تاریک و بی فروغ بودند .

* صنایع ملی قدیمی هم چون نقاشی ، تذهیب ، منبت کاری قلمزنی روی طلا و نقره و فلز ، قلمدان سازی ، کنده کاری ، قلاب دوزی و ملیله بندی ، حجاری و کاشی کاری و میناگری ، قالی بافی و قلمکار سازی و زری بافی و دیگر صنایع قدیمی بطور تفتنی بود و هرگاه میخواست پیشرفت کند سرمایه و مشوق و معلم و محیط مساعد و بازار خوب نداشت .

* در ایران اگر مردان خیر اندیشی از اروپا صنعتی را بسوق‌ات آوردند و یا صنایع ملی قدیمی را رونق دادند نه تنها مورد تشویق دولت و حکومت وقت قرار نگرفتند بلکه چیزی هم پدیدار شدند ، چنانکه کارخانه معروف «صنایع الدوله» خود بهترین نمونه آنست .

صنایع ایران نو

* اما از هنگامی که رضا شاه کبیر محیط ایران را امن ساخت و برای اصلاحات فراغت یافت برای احداث کارخانه‌های صنعتی جدید و رونق صنایع قدیم تلاش و کوشش مداوم بکار برد و کارخانه‌های بزرگ صنعتی را مخصوصاً در شمال ایران برپا انداخت . کارخانه‌های مربوط بکشاورزی چون چغندر قند و پنبه و ریستندگی و خشکاندن چای را درست کرد .

با تأسیس کارخانه‌های برق شهرها را هر چه میسر بود روشن نمود ، آموزشگاه‌های هنری و حرفه‌ای را تأسیس کرد . سیلو و ذخایرات ایران را ساخت . کوره‌های آجر پزی را با سازمان نوپرا انداخت . حمایت از صنایع داخلی را وظیفه‌ی ملی اعلام نمود و نتیجه آن شد که هم در تهران و هم در شهرستان‌ها بویژه در سراسر شهرستان کارخانه‌های ملی با سرمایه‌های مردم بکار افتاد و امتعه وطن جای کالاهای خارجی را کم و بیش گرفت .



از راست به چپ علی‌دشتی نماینده مجلس ، محمود جم وزیر کشور ، حبیب‌الله نوبخت نماینده مجلس ، محمد علی فروغی نخست وزیر ، محسن صدر وزیر دادگستری ، مصطفی قلی بیات رئیس کل صنایع

یادی از صنایع عصر شاهان کبیر

تاریخ تأسیس	ظرفیت در تاریخ تأسیس	صنایع قند:
۱۳۱۱	۳۰۰ تن	۱- کارخانه قند کرج
۱۳۱۲	۳۵۰ تن	۲- کارخانه قند ورامین
۱۳۱۴	۳۵۰ تن	۳- کارخانه قند شاه آباد
۱۳۱۴	۳۵۰ تن	۴- کارخانه قند مرو دشت
۱۳۱۵	۳۵۰ تن	۵- کارخانه قند میاندوآب
۱۳۱۳	۳۵۰ تن	۵- کارخانه قند آبکوه
۱۳۱۴	۳۵۰ تن	۷- کارخانه قند شاه زند
۱۳۱۰	۱۲۰ تن	۸- کارخانه قند کهریزک

صنایع نساجی:

- ۱- کارخانه نساجی شاهی ۱۳۰۹ ۶۰۰۰ دوک و ۲۸۰ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۲- کارخانه چیت سازی به شهر ۱۳۱۷ ۳۲۰۰۰ دوک و ۱۲۰۰ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۳- کارخانه حریر بافی چالوس ۱۳۱۴ ۷۵۰۰ دوک و ۲۲۱ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۴- کارخانه گونی بافی شاهی ۱۳۱۶ ۱۲۸۰ دوک و ۶۰ دستگاه ماشین های بافندگی

صنایع شیمیایی و مواد غذایی:

- ۱- کارخانه روغن کشی ورامین ۱۳۱۸ روغن گیری از ۱۰۰ تن دانه های روغن دار در ۲۴ ساعت
- ۲- کارخانه گلیسرین و صابون ۱۳۱۶-۲۵ تن صابون و یک تن گلیسرین در ۲۴ ساعت
- ۳- کارخانه کنسرو سازی شاهی ۱۳۱۹-۹ تن گوشت خام و ۴ تن سبزیجات

صنایع پنبه:

- ۱- کارخانه پنبه بابلسر ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۲- کارخانه پنبه بابل ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۳- کارخانه پنبه کیا کلا ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۴- کارخانه جویبار ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۵- کارخانه پنبه ساری ۱۳۱۹ ۳ جین و دو لیتر
- ۶- کارخانه پنبه به شهر ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۷- کارخانه پنبه علی آباد ۱۳۱۶ ۳ جین و یک لیتر
- ۸- کارخانه پنبه گنبد ۱۳۱۶ ۳ جین و دو لیتر
- ۹- کارخانه پنبه جیت و ورامین ۱۳۱۵ ۳ جین و دو لیتر
- ۱۰- کارخانه پنبه گرمسار ۱۳۱۶ ۳ جین و دو لیتر
- ۱۱- کارخانه پنبه سمنان ۱۳۱۵ ۲ جین و دو لیتر
- ۱۲- کارخانه پنبه خرم آباد لرستان ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۳- کارخانه پنبه کرمانشاه ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۵- کارخانه پنبه گیلان غرب ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۵- کارخانه پنبه شوشتر ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۶- کارخانه برنج نکا ۱۳۱۵ -
- ۱۷- کارخانه برنج بندرگز ۱۳۱۵ -

صنایع مصالح ساختمانی:

- ۱- کارخانه سیمان ری ۱۳۱۰ ۱۰۰ تن سیمان در روز
- ۲- کارخانه آجر نسوز ۱۳۱۹ ۵ تن آجر نسوز در روز

* این کارخانه ها غیر از کارخانه عظیم دخیانیا در تهران و یا سازمانهای دیگر مشابه آن بود زیرا کارخانه های خشکه بار خراسان و یاقالی بافی شرکت سهامی فرش ایران و بسیاری از مؤسسات دیگر همه از بنیادهای آن درآمد بزرگ است.



یادی از صنایع

عصر رضا شاه کبیر

ظرفیت در تاریخ تأسیس	تاریخ تأسیس	صنایع قند:
۳۰۰ تن	۱۳۱۱	۱- کارخانه قند کرج
۳۵۰ تن	۱۳۱۲	۲- کارخانه قند ورامین
۳۵۰ تن	۱۳۱۴	۳- کارخانه قند شاه آباد
۳۵۰ تن	۱۳۱۴	۴- کارخانه قند مرو دشت
۳۵۰ تن	۱۳۱۵	۵- کارخانه قند میاندوآب
۳۵۰ تن	۱۳۱۳	۵- کارخانه قند آبکوه
۳۵۰ تن	۱۳۱۴	۷- کارخانه قند شاه زند
۱۲۰ تن	۱۳۱۰	۸- کارخانه قند کهریزک

صنایع نساجی:

- ۱- کارخانه نساجی شاهی ۱۳۰۹ ۶۰۰۰ دوك و ۲۸۰ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۲- کارخانه چیت سازی بهشهر ۱۳۱۷ ۳۲۰۰۰ دوك و ۱۲۰۰ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۳- کارخانه حریر بافی جالوس ۱۳۱۴ ۷۵۰۰ دوك و ۲۲۱ دستگاه ماشین های بافندگی
- ۴- کارخانه گونی بافی شاهی ۱۳۱۶ ۱۲۸۰ دوك و ۶۰ دستگاه ماشین های بافندگی

صنایع شیمیایی و مواد غذایی:

- ۱- کارخانه روغن کشی ورامین ۱۳۱۸ روغن گیری از ۱۰۰ تن دانه های روغن دار در ۲۴ ساعت
- ۲- کارخانه گلیسرین و صابون ۱۳۱۶-۲۵ تن صابون و یک تن گلیسرین در ۲۴ ساعت
- ۳- کارخانه کنسرو سازی شاهی ۱۳۱۹-۹ تن گوشت خام و ۴ تن سبزیجات

صنایع پنبه:

- ۱- کارخانه پنبه بابلر ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۲- کارخانه پنبه بابل ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۳- کارخانه پنبه کیا کلا ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۴- کارخانه چوببار ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۵- کارخانه پنبه ساری ۱۳۱۹ ۳ جین و دو لیتر
- ۶- کارخانه پنبه بهشهر ۱۳۱۶ ۵ جین و سه لیتر
- ۷- کارخانه پنبه علی آباد ۱۳۱۶ ۳ جین و یک لیتر
- ۸- کارخانه پنبه گنبد ۱۳۱۶ ۳ جین و دو لیتر
- ۹- کارخانه پنبه جیت و ورامین ۱۳۱۵ ۳ جین و دو لیتر
- ۱۰- کارخانه پنبه گرمسار ۱۳۱۶ ۳ جین و دو لیتر
- ۱۱- کارخانه پنبه سمنان ۱۳۱۵ ۲ جین و دو لیتر
- ۱۲- کارخانه پنبه خرم آباد لرستان ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۳- کارخانه پنبه کرمانشاه ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۵- کارخانه پنبه گیلان غرب ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۵- کارخانه پنبه شوش ۱۳۱۵ ۲ جین و یک لیتر
- ۱۶- کارخانه پرنج نکا ۱۳۱۵ -
- ۱۷- کارخانه پرنج بندر گن ۱۳۱۵ -

صنایع مصالح ساختمانی:

- ۱- کارخانه سیمان ری ۱۳۱۰ ۱۰۰ تن سیمان در روز
- ۲- کارخانه آجر نسوز ۱۳۱۹ ۵ تن آجر نسوز در روز

* این کارخانه ها غیر از کارخانه عظیم دخانیات در تهران ویا سازمانهای دیگر مشابه آن بود زیرا کارخانه های خشکه بار خراسان ویا قالی بافی شرکت سهامی فرش ایران و بسیاری از مؤسسات دیگر همه از پنبه های آن درآمد بزرگ است .





بازدید از کارخانه برق تهران ، نخست‌وزیر و رئیس کل
صناعت افتخار حضور دارند



بُنیاد کالامی وطن

• وقتی محصول کارخانه‌ها به بازار آمد ، وقتی نساجی و پلورسازی و گونی بافی و قالی بافی رونق گرفت ، وقتی چغندر قند محصولش به بازار عرضه شد و وقتی تو تن ایران از کارخانه‌های تصفیه و تصفیه سیگار و سیگار پاسته بندی زیبا درآمد ، وقتی خشک بار ایران برای صادرات بار و پاستا بیشتر کرد ، وقتی محصولات ایران برای مصرف داخلی و خارجی صورت تازه بخود گرفت سر انجام بامر رضاشاه که در محل پیشین بانک کشاورزی امروز که قبلاً در آن بانک فلاحی تأسیس گشت بنائی زیبا در خور آن روز ساختند و در آنجا نمایشگاه کالای وطن را برپا نمودند . این نمایشگاه هر ساله کارهای انجام شده را نشان میداد و محصولات ایران گرفته ها و طبقه ها و سالن‌ها را میساخت و نمونه‌ای از افتخار و سر بلندی ایران در عصر پهلوی بود .

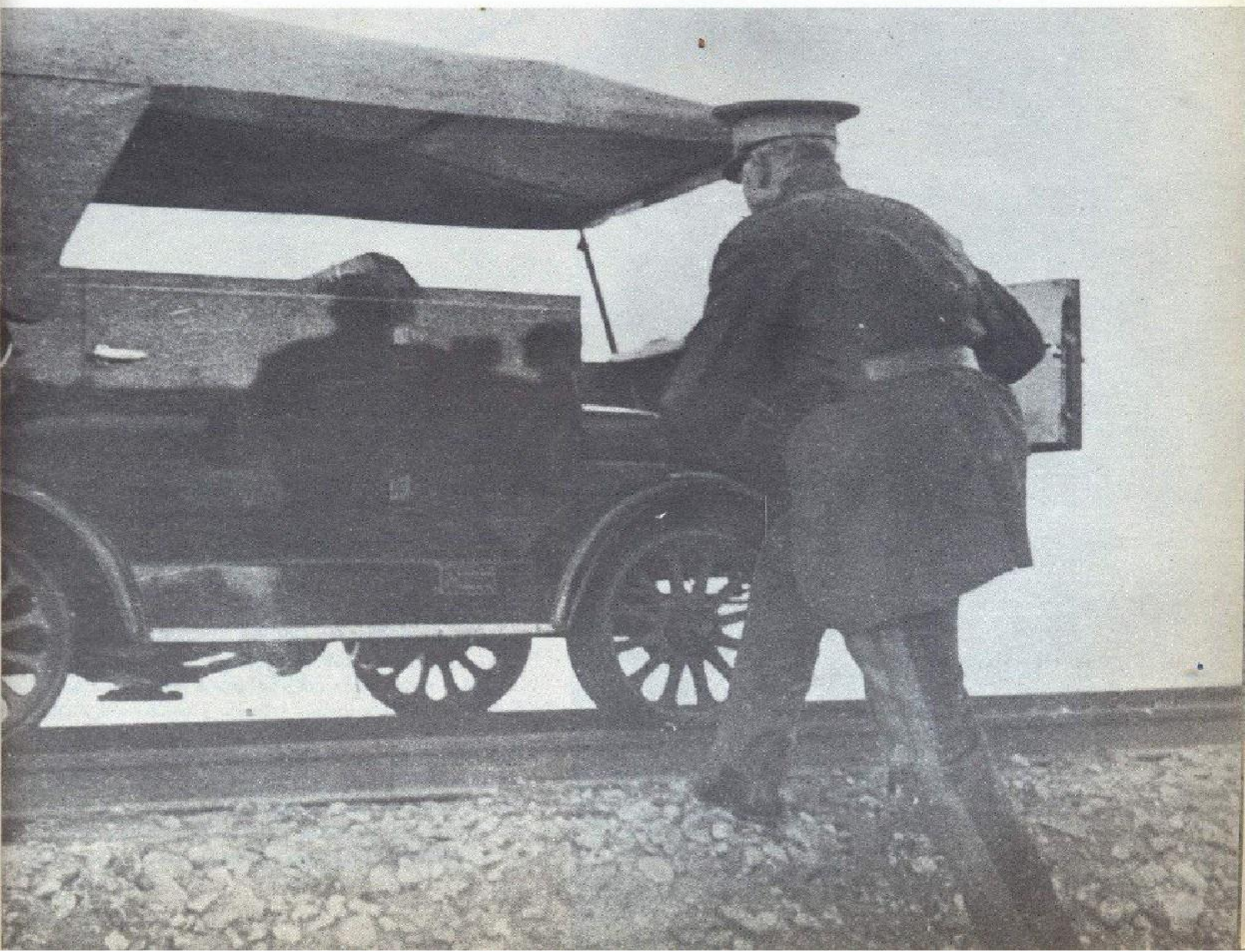
• از آن پس ایران در بازارهای مکاره دنیا شرکت کرد و نمایندگان بازرگانی به کشورهای جهان فرستاد و بکار صنعت و تجارت و کشاورزی جانی تازه داد و صنایع قدیم و جدید را تا آنجا که ممکن شد زنده کرد . شاید دیدن استاد و مدارک آن یعنی تصاویری که در این کتاب مشاهده میشود خود بهتر بتواند مبین آن باشد .

داستان راه آهن شرق

تاریخ خاورمیانه در دو قرن ۱۸ و ۱۹ و نیمه اول قرن بیستم ماجراهای شگفت انگیز بیاد دارد رقابت دول اروپا برای بدست آوردن امتیازات و مسدود ساختن راه آسیا بروی یکدیگر بسیاری از ملل این منطقه را در عقب ماندگی نگاهداشته و پیوسته حوادثی آفریده که رقیبان به منابع ثروت راه نیابند و سرانجام بازار فروش تنها در انحصار آنها باشد.

داستان راه آهن شرق یکی از همان ماجراهای خونی است که سالیان دراز بطول انجامید و آنرا از قرن بیستم دیگر کشانید.

راه های ایران بویژه راه آهن از این ماجرا بی نصیب نبود و هر وقت طرحی تهیه می شد با حوادثی از میان میرفت و دولت های ایران پیش از عصر پهلوی در انجام آن ناتوان بودند، از این رو احداث راه آهن ایران و ساختن راه های وسیع و ایجاد بنادر و اتصال دو دریا یکدیگر که بدست توانای رضاشاه کبیر صورت گرفت گذشته از جنبه صنعتی آن که خود بخشی جدا گانه دارد از نظر سیاسی مورد ستایش مورخان قرار گرفته است.

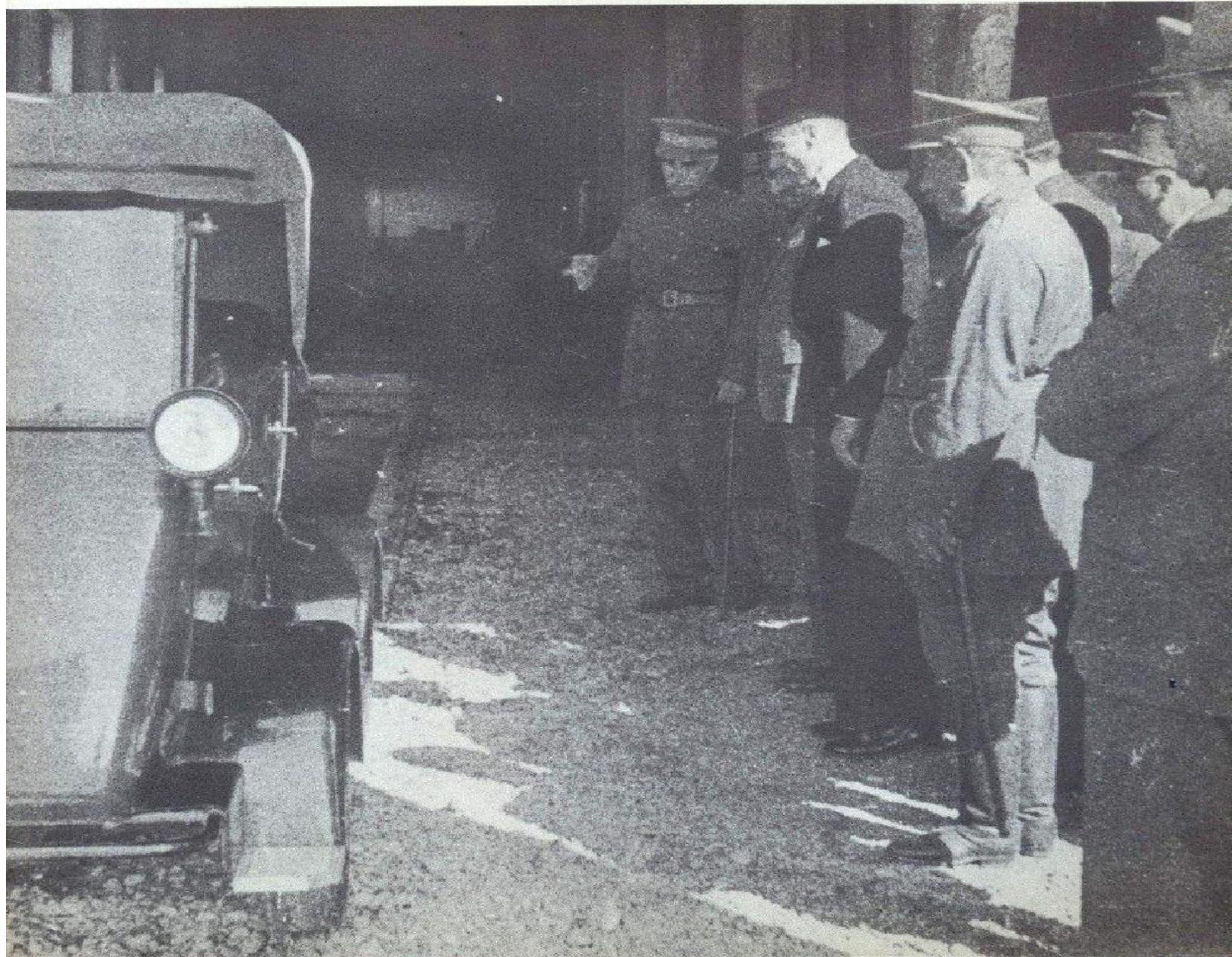




مرحله دوم شرف‌ت راه آهن ایران

اعلیحضرت رضاشاه کبیر از آغاز ساختمان راه آهن پیوسته پیشرفت کار را زیر نظر مستقیم خود داشتند و از تمام تاسیسات بازدید میفرمودند و همینکه احساس شد پیشرفت کار رضایت بخشی نیست قرارداد پیمانکاران ملفی و پیمانکاران تازه بکار گمارده شدند، از این رو انجام کار راه آهن سراسری را باید به سه مرحله تقسیم کرد که مرحله سوم آن خاتمه کار پیمانکاران ثانوی و تأسیس بنگاه راه آهن دولتی ایران است که کار پیشرفت پیشتر کرد تا خط شمال به تهران و خط جنوب به سیاه چشمه نزدیک اراک رسید.

برای بازدید خطوط و ایستگاه‌های ناتمام اعلیحضرت رضاشاه کبیر با درزن طول راه‌ها رومی می‌موندند و از نزدیک پیرامون مشکلات کار با مهندسین گفتگو می‌کردند





هنگامی که راه آهن بایستگاه سیاه چشمه رسید اعلیحضرت رضاشاه کبیر آخرین پیچ را با دست خود بستند





هوایمای جنگی کارخانه شهباز ایران در رژه اسفند سال ۱۳۱۳ ارتش شرکت کردند و مورد توجه قرار گرفتند . هیئت دولت و سران ارتش در پیشگاه شاهنشاه بهتکام رژه ارتش در سوم اسفند . میدان جلالیه تهران

